Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Defense Studies
https://sds.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8286
Vol. 24, Special Issue, No. 105, Summer 2026 **Received:** 2026/05/31 **Accepted:** 2026/09/03
Research paper

Economic and Socio-Cultural Drivers of Defense Cooperation between Saudi Arabia and Iraq toward the Horizon of 2035

Mohammad Reza Kamali
Associate Professor, National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Mostafa Moradian
Associate Professor, National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.
Amirhossein Parnian
PhD Graduate, National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Email: ahpf_206@yahoo.com

Abstract
Iraqi policymakers have adopted an open-door policy as an approach to their foreign policy. From the perspective of Iraq's current policymakers, one of the objectives of adopting an open-door policy is to maintain a balance among regional and international partners and thereby avoid alignment within regional and international blocs either "for" or "against" another axis. Iraq's relations with other countries under the open-door policy reflect an approach consistent with the theory of comprehensive balancing, based on economic and socio-cultural drivers. Accordingly, this study examines the economic and socio-cultural drivers of defense cooperation between Iraq and Saudi Arabia and assesses the relative importance of each. This is an applied study conducted using a historical-correlational research design. Data were collected through both library research and field research, with a sample of 30 participants. The findings indicate that the most important economic and socio-cultural drivers of defense cooperation between Iraq and Saudi Arabia are Saudi Arabia's contribution to investment and economic cooperation with Iraq and Arab nationalism, including shared customs and traditions as well as perceived blood and ethnic ties.

Keywords: Economic Drivers; Socio-Cultural Drivers; Comprehensive Balancing; Defense Cooperation

فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک

سال بیست و چهارم، ویژه‌نامه (پیاپی ۱۰۵)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۱۲۳-۱۴۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۲

مقاله پژوهشی

پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی در همکاری دفاعی عربستان سعودی و عراق در افق ۱۴۱۴

محمدرضا کمالی
دانشیار دفاع ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
مصطفی مرادیان
دانشیار دفاع ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
امیرحسین پرنیان
دانش‌آموخته دکتری، دفاع ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: ahpf_206@yahoo.com

چکیده

سیاستمداران عراقی سیاست درهای باز را به‌عنوان رویکردی برای سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. از دید سیاست‌گذاران کنونی عراق، یکی از اهداف این کشور در اتخاذ سیاست «درهای باز» ایجاد توازن میان شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور قرار نگرفتن در محوربندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی «له» یا «علیه» محور دیگر است. روابط عراق با سایر کشورها با سیاست درهای باز نگاهی است به نظریه موازنه همه‌جانبه. بر مبنای پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی است. در همین راستا در این تحقیق پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی و میزان اهمیت هرکدام از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق کاربردی بوده و به روش تاریخی- هم‌بستگی انجام‌شده است. گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده و حجم نمونه ۳۰ نفر است. طبق یافته‌های تحقیق اهم پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی عبارت‌اند از: سهم عربستان در سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با عراق و ناسیونالیسم عربی (آداب و سنن و تعلقات خونی-نژادی)

کلیدواژه‌ها: پیشران اقتصادی، پیشران فرهنگی-اجتماعی، موازنه همه‌جانبه، همکاری دفاعی

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

منطقه غرب آسیا یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی دنیاست که کشورهای حوزه خلیج‌فارس، خصوصاً سه کشور ایران، عربستان سعودی و عراق به علت دارا بودن بیشترین ذخایر نفت و گاز در این منطقه، از پتانسیل زیادی برای تنش برخوردارند. روابط سیاسی و امنیتی دو کشور و یا ائتلاف دو کشور می‌تواند برای کشور ثالث تهدید جدی باشد.

سیاستمداران عراقی سیاست درهای باز را به‌عنوان رویکردی برای سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. از دید سیاست‌گذاران کنونی عراق، یکی از اهداف این کشور در اتخاذ سیاست «درهای باز» ایجاد توازن میان شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور قرار نگرفتن در محوربندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی «له» یا «علیه» محور دیگر است؛ زیرا در وضعیت نابسامان عراق آنچه مهم است، ابتدا بازسازی عراق به‌منظور احیای جایگاه گذشته این کشور در منطقه و جهان است. از دید دولت عراق، قرار گرفتن در هرکدام از محوربندی‌ها و قطب‌بندی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ازیک‌طرف باعث محرومیت بخشی از منافع ملی عراق شده و از سوی دیگر باعث بروز مشکلات و بحران‌های جدید می‌شود؛ بنابراین تلاش عراق بر آن است که از ورود به محوربندی‌های منطقه‌ای مانند ایران–عربستان، عربستان–ترکیه و ... خودداری کند. این کشور برقراری روابط پایدار، مثبت و سازنده با همه کشورها را زمینه‌ای برای تحقق هدف بازسازی عراق می‌داند. ازاین‌رو عراق با نگاه به منافع ملی خود، اختلاف بین ایران و عربستان را مانعی بر سر راه رابطه همه‌جانبه خود با عربستان نمی‌بیند (پوراسمعیلی، ۱۴۰۰).

در همین مدت روابط ایران و عربستان در طی سال‌های گذشته روزبه‌روز رقابتی‌تر شده است و در این مدت گاهی تا حد تنش و تخاصم و درگیری‌های لفظی بین سران حکومت‌ها هم پیش رفته است. اخیراً با تحمیل شدن جنگ رمضان و حمایت عربستان از کشورهای متخاصم علیه ایران، این روابط شکل دیگری به خود گرفته است. روابط عراق و عربستان سعودی از ابتدای استقلال هیچ‌گاه روابط دوستانه‌ای نبوده است؛ ولی تلاش آمریکا برای نزدیک کردن عربستان سعودی به عراق و تمایل حکومت تغییر شکل یافته عربستان برای

برقراری ارتباط با عراق و نیاز اقتصادی عراق به سرمایه‌گذاری عربستان، می‌تواند باعث نگرانی‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران شود.

با توجه به قرابت نژادی دو کشور (عربیت) و در مواردی تجانس فرهنگی و وابستگی اهل تسنن عراق به عربستان سعودی، آنچه به‌عنوان مسئله اصلی تحقیق ذهن محققین را به خود معطوف نموده این است که پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی کدام‌اند؟ سؤالات فرعی عبارت‌اند از:

- ❖ مهم‌ترین پیشران‌های اقتصادی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی در افق ۱۴۱۴ کدام‌اند؟
- ❖ مهم‌ترین پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی در افق ۱۴۱۴ کدام‌اند؟

اهداف تحقیق متناظر با سؤالات است. این تحقیق اکتشافی بوده و به دنبال تعیین روابط بین متغیرها نیست، به همین دلیل فرضیه ندارد.

بررسی وضعیت منطقه با رویکرد همکاری دو کشور عراق و عربستان سعودی و احصا پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی این همکاری می‌تواند در تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی و امنیتی کمک مؤثری باشد. همچنین می‌تواند باعث پیش‌بینی‌های لازم و اقدامات متناسب جهت حفظ منافع جمهوری اسلامی در پس این روابط گردد. کمک به توسعه فهم راهبردی و پر کردن خلأ دانشی فرماندهان و طراحان دفاعی کشور و ن.م. ج.ا. ایران از دیگر آثار تدوین این مقاله است. عدم انجام این تحقیق می‌تواند باعث غافل‌گیری راهبردی درخصوص روابط عراق و عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران و از دست رفتن فرصت‌های موجود و بالقوه در حفظ منافع ملی ما در عراق شود.

۱. پیشینه پژوهش

پروژه‌ای با عنوان » علل تحول رفتار خارجی عربستان«در دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص) دانشگاه جامع امام حسین (ع) در سال ۱۳۹۲ انجام شده با این سؤال که چرا رفتار

خارجی عربستان دچار تحول شده است. این پژوهش توصیفی تحلیلی بیان می‌کند که در بحران‌های اخیر مشخص شد که ریاض توان لازم برای اثرگذاری بر بحران‌های منطقه با استفاده از پول و نیروهای مزدور را ندارد. پس از حمایت نکردن جدی آمریکا از عربستان در بحران سوریه، یمن و ایران و انتقادهای مکرر کاخ سفید از عملکرد عربستان باعث شد که این کشور سیاست منطقه‌ای خود را عوض کند و سیاست جدیدی را اتخاذ نماید. تلاش برای ارتباط با مسکو، فرانسه و چین برای خرید تجهیزات و تلاش برای تشکیل ائتلاف جدید در منطقه در راستای تغییر سیاست رژیم آل‌سعود بود که همه این تغییرات در برابر تغییر رفتار آمریکا بود.

مقاله‌ای با عنوان «تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها (مطالعه موردی؛ ایران و عراق)» توسط یداله کریمی‌پور در سال ۱۳۹۶ در شماره ۸۴ نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی به چاپ رسیده و بیان می‌کند که مؤلفه‌های محیط داخلی (مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، مؤلفه‌های جغرافیایی و سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی)، محیط خارجی منطقه‌ای و سرانجام محیط جهانی بر کیفیت و کمیت پیوند استراتژیک بغداد-تهران تأثیرگذار بوده است و پیوند استراتژیک دو کشور تابع همراهی و کارکرد مثبت مثلث ذکر شده است که خود برآمده از مؤلفه‌های پیچیده‌تری است.

مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق» در سال ۱۳۹۰ در نشریه مطالعات خاورمیانه توسط طاهره ذاکر اردکانی به چاپ رسیده که بیان می‌کند: موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور عاملی بسیار مهم در جهت‌گیری سیاست خارجی دو کشور است به‌خصوص تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق همواره در جهت‌گیری سیاست خارجی دو کشور مؤثر بوده است. نوع روابط ایالات‌متحده با دو کشور نیز در جهت‌گیری آن‌ها نسبت به وقایع عراق مؤثر است. در مورد سیاست خارجی ایدئولوژیک دو کشور نیز می‌توان گفت، در دوره‌ای به‌خصوص اوایل انقلاب اسلامی ایران بعد ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران بیشتر نمود داشته است. در مورد عربستان سعودی دوره سیاست خارجی ایدئولوژیک، بعد از سقوط صدام حسین و به

قدرت رسیدن شیعیان در عراق است.

در سال ۱۳۹۵ مقاله‌ای در نشریه مطالعات خاورمیانه با عنوان مقاله: تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق (در قالب تئوری حرکت‌ها) توسط محمدعلی شهریاری به چاپ رسیده که بیان می‌کند: ریاض برای تقابل با تهران و جبران شکست در بازی عراق، به اقداماتی چون تقویت هویت سنی به‌عنوان واکنشی در برابر احیای هویت شیعی، کمک به جنگ‌های فرقه‌ای در عراق، دامن زدن به ناامنی‌ها، تحریک سلفی‌گری، کمک به داعش، شیعه-ایران هراسی، اتحادهای منطقه‌ای با کشورهایی چون اسرائیل و ترکیه و اتحادهای فرامنطقه‌ای با ایالات‌متحده، تقویت بنیان دفاعی و خرید تسلیحات، دخالت در بحران سوریه و فشار بر متحدان راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا، همچنین با دخالت نظامی در بحرین و یمن و ورود به جنگ سرد نفتی و تلاش‌های دیپلماسی ضد ایرانی در منطقه، سعی نموده از طریق به چالش کشیدن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بازی باخته در عراق را جبران کند.

وجوه اشتراک این مقاله با پیشینه‌های یادشده پرداختن به امنیت منطقه خلیج‌فارس، عراق، عربستان و ایران است. افتراق پیشینه‌های یادشده با این مقاله پرداختن به پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان است.

۲. مفهوم‌شناسی

پیشران: در متون آینده‌اندیشی، پیشران‌ها اشاره به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده جهان دارد. بدیهی است که پیشران‌ها به‌صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند. به‌عبارت دیگر، مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه هستند (عظیم‌زاده، ۱۴۰۰).

همکاری دفاعی: منظور از همکاری دفاعی امنیتی انجام اقدامات و فعالیت‌هایی است که در جهت نیل به اهداف دیپلماسی دفاعی در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی در ابعاد و زمینه‌های مختلف نظیر تبادل تسلیحات و فناوری دفاعی و چندمنظوره، آموزش نظامی، اعزام

وابسته نظامی، انعقاد موافقت‌نامه دفاعی همکاری‌های علمی و فنی، انجام رزمایش مشترک، انعقاد پیمان عدم تجاوز متقابل، ایجاد اتحاد نظامی، تحقیقات دفاعی مشترک، پیشگیری و حل منازعه‌ها، ایجاد کمیسیون‌های منطقه‌ای دفاعی و نظایر آن گفته می‌شود به‌طوری‌که این اقدامات و فعالیت‌ها موجب هم‌افزایی، تسریع در روند و دستیابی به آن اهداف مشترک گردد. در همکاری دفاعی امنیتی بین دو کشور نقاط قوت و ضعف به هر کشور می‌تواند فرصت یا تهدید برای کشور مقابل باشد (غلامی، ۱۳۹۸: ۳۲-۳۳).

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. نظریه موازنه قدرت

نظریه موازنه قدرت مهم‌ترین و باسابقه‌ترین نظریه‌های موازنه سازی است. موازنه قدرت یکی از مفاهیم بنیادی و اندیشه واقع‌گرایانه است و از برداشت خاص آن‌ها از مفهوم قدرت برمی‌خیزد، متفکران روابط بین‌الملل، نظریه «موازنه قدرت» را شناخته‌شده‌ترین و مؤثرترین نظریه موجود برای توضیح ماهیت روابط بین‌الملل می‌دانند. پس از جنگ جهانی دوم، هانس. جی. مورگنتا، موازنه قوا را به‌صورت نظریه‌ای تدوین نمود و سپس متفکرانی چون اسپایکمن، آرونه کیسینجر و مکیندر آن را کامل کردند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۶).

در زمینهٔ نظریه موازنه قوا، نظریه واحدی وجود ندارد. هر یک از نظریه‌ها از این فرضیه اصلی واقع‌گرایی الهام گرفته‌اند که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند که در اثر فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی، به‌طور عقلایی در پی افزایش قدرت و یا امنیت خود هستند. توازن قدرت شکلی از به‌کارگیری قدرت برهنه است که در سطح نظام بین‌الملل و بین واحدهای آن به‌ویژه در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به چشم می‌خورد. بر مبنای همین مفهوم است که اتحادها و ائتلاف‌ها برای پیروزی و تسلط در عرصه بین‌الملل در بین برخی از دولت‌ها و برای دستیابی به اهداف خاص علیه کشورهای دیگر شکل می‌گیرد. ریچاد لیتل»، از صاحب‌نظران نظریه موازنه قوا، این نظریه را چنین تعریف می‌کنند: «تعداد کثیری از دولت‌ها را که میزان قدرتشان با یکدیگر فرق دارد در نظر می‌گیریم، هرکدام از

آن‌ها می‌کوشند قدرت خود را به میزانی مناسب و مقدور بالا ببرند. درنتیجه تلاش و کوششی که آن‌ها در جهت ایجاد نظام کامل موازنه به‌کار می‌بندند نظام موازنه قدرت شکل می‌گیرد» (لیتل، ۱۳۸۹: ۱۲).

۳-۲. نظریه موازنه تهدید

آنچه در نظریه موازنه تهدید از سوی والت ارائه‌شده، به معنای آن است که در برخی از دوره زمانی، بعضی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جای آنکه زمینه موازنه قدرت را به وجود آورند، امکان پیوستن سایر بازیگران به ائتلاف با بازیگر مسلط را به وجود می‌آورند. به‌طورکلی، «پیوستن به بازیگر مسلط، در برابر موازنه با نیروهایی است که درصدد کسب هژمونی هستند. این رهیافت نشان می‌دهد مطلوبیت موازنه تهدید برای بازیگران هژمون (در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی) به‌کار گرفته می‌شود، درحالی‌که هرگونه مطلوبیت موازنه قوا برای کشورهایی است که در معرض تهدید بازیگر هژمون و نیروی مؤثر در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند (والت، ۱۹۸۷: ۳).

به‌طورکلی، اصول نظریه موازنه تهدید ازنظر استیفن والت شامل موارد زیر است:

۱. دولت‌ها در مقابل طرف‌هایی متحد می‌شوند که بیشترین منشأ تهدید محسوب می‌شوند؛ ازاین‌رو، تهدیدها لزوماً جزو قوی‌ترین تهدیدها نیستند؛ به این معنی که کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند، بلکه آن‌ها در پی ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می‌شود (ایکنبری، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۹).

۲. تهدید، صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد، بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت، برخلاف آنچه تصور می‌شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه آنچه سبب حرکت کشورها به‌سوی توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدیدی احساس شد کشورها یا تلاش می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یااینکه

به کشور تهدیدکننده بپیوندند (والت، ۱۹۸۷: ۳۲).

۳. هراندازه تهدیدهای خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که شکل‌گیری سطوح اتحاد بیشتر با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک دارای نسبت مستقیمی است. یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجارها تبدیل شود. یعنی زمانی که موازنه ایجاد شد، اگر اصولی که براساس آن موازنه شکل‌گرفته است، تبدیل به اصولی هنجاری بین طرفین حاضر در اتحاد شد، آنگاه می‌توان انتظار داشت سطح اتحاد به اتحاد راهبردی تبدیل شود (والت، ۱۹۸۷: ۱۱).

۴. تهدید هر کشوری از مؤلفه‌های قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و انگیزه‌های تجاوزکارانه کشور رقیب تشکیل می‌شود. قدرت کلی، مجموع منابع کشور شامل وسعت، جمعیت و قابلیت‌های اقتصادی است. کشوری که ازنظر این نوع منابع، غنی‌تر باشد می‌تواند نسبت به کشوری که از این نظر ضعیف‌تر است تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی ازاین‌رو اهمیت دارد (در صورت برابر بودن سایر شرایط که کشورهای نزدیک، اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت با تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل‌قبول است. انگیزه‌های تجاوزکارانه، تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد. والت در نظریه خود بر اهمیت انگیزه‌های تجاوزکارانه به‌جای منابع مادی قدرت نیز تأکید می‌کند. برای نمونه، وی هنگام تبیین ریشه‌های جنگ سرد می‌گوید مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و انگیزه‌های تجاوزکارانه اتحاد شوروی موجب ایجاد توازن توسط قدرت‌های منطقه‌ای در اروپا و آسیا به‌صورت تشکیل اتحادهایی با ایالات‌متحده شد و متعاقباً اتحاد شوروی هم با تقویت قدرت خود در داخل، در برابر ایالات‌متحده توازن ایجاد کرد.

۵. از دیدگاه والت، دولت‌هایی که از نبود مشروعیت داخلی رنج می‌برند، به‌احتمال

بیشتری در جست‌وجوی اتحادهای ایدئولوژیک برای افزایش حمایت داخلی و خارجی خواهند بود (والت، ۱۹۸۷: ۱۲).

۳-۳. موازنه همه‌جانبه

نظریه موازنه همه‌جانبه برای اولین بار توسط دیوید استیون در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. وی در این نظریه تلاش خود را در جهت برطرف کردن نقص‌های نظریه موازنه قوای واقع‌گرایان کلاسیک همانند مورگنتا و نوواقع‌گرایان همچون والتز به‌کار بست. یکی از نظریه‌هایی که در دوره پس از جنگ سرد درباره تحولات جدید موازنه‌سازی به‌ویژه موازنه سازی در کشورهای درحالی‌که توسعه مورد توجه قرارگرفته، نظریه موازنه همه‌جانبه است. این نظریه هم‌زمان برخی معایب و ایرادهای نظریه موازنه قدرت کلاسیک را برطرف و آن را روزآمد کرد. دیوید استیون در نظریه موازنه همه‌جانبه با محدود کردن حوزه بررسی نظریه موازنه قوا، بیشتر بر روی کشورهای درحالِ‌توسعه تمرکز کرده است. او تلاش می‌کند توضیح دهد که چرا و چگونه دولت‌های درحالِ‌توسعه به‌سوی اتحاد و رقابت با یکدیگر حرکت می‌کنند. به نظر دیوید استیون با استفاده از نظریه موازنه همه‌جانبه بهتر می‌توان شکل‌گیری اتحادها و رفتار آینده اتحادها در کشورهای درحالِ‌توسعه را پیش‌بینی کرد. استیون مفروضات نظریه‌پردازان موازنه قوای واقع‌گرایان سنتی و نو واقع‌گرایان را رد و نظریه جایگزین خود، موازنه همه‌جانبه را پیشنهاد می‌کند. ازنظر او، نظریه‌های موازنه قوا در تمام حالت‌ها قابل‌استفاده نیستند و در برخی موارد باید به مسئله تهدیدها نسبت رهبری و خاندان توجه داشت تا تهدیدها نسبت به کشور، نظریه موازنه همه‌جانبه معتقد است رهبران این دولت‌ها با اولویت کمک به خود در مقابل تهدیدهایی که حکومت و حتی بقای آن‌ها را تهدید می‌کند، باهم متحد می‌شوند (نجفی‌سیار، ۱۳۹۹: ۳۷-۳۸).

نظریه موازنه همه‌جانبه توضیح می‌دهد که چرا دو کشور عربستان سعودی و عراق تمایل به برقراری همکاری دفاعی دارند؛ چراکه این نظریه بیشتر بر کشورهای درحالِ‌توسعه تمرکز می‌کند و همچنین این دو کشور با برقراری رابطه هرکدام سعی در رفع تهدیدات و کسب

منافع برای کشور متبوعشان دارند. ضمناً موازنه همه‌جانبه علاوه بر در نظر گرفتن عوامل سیاسی و دفاعی–امنیتی به پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی–اجتماعی هم می‌پردازد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق کاربردی است و مورد استفاده نیروهای مسلح و دولت قرار می‌گیرد. محقق علاوه بر تصویرسازی از وضعیت پیشران‌های اقتصادی و فرهنگی– اجتماعی، اولویت‌بندی و تعیین میزان اهمیت آن‌ها برای همکاری دفاعی عراق و عربستان را مشخص نموده است. با توجه به قدمت عنوان پژوهش و تداوم آن در حال و آینده، روش تحقیق تاریخی– هم‌بستگی است. در این روش پیشران‌ها نسبت به همدیگر مورد مقایسه قرارگرفته و نوع هم‌بستگی آن‌ها با عراق و عربستان مشخص‌شده است. قلمرو زمانی انجام تحقیق از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ و قلمرو بهره‌گیری از نتایج تا افق ۱۴۱۴ خواهد بود. قلمرو مکانی این تحقیق مشتمل بر کشورهای عربستان و عراق است. جامعه آماری شامل فرماندهان نیروهای مسلح در سطح راهبردی و مدیران مطالعات منطقه‌ای، با بیش از ۷ سال سابقه عضویت در حوزه مربوطه و اساتید دانشگاهی با مرتبه دانشیاری و بالاتر است. با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده جامعه آماری کم‌تر از ۱۰۰ نفر است، به علت محدود بودن جامعه آماری حجم نمونه ۳۰ نفر همان جامعه آماری بوده و روش نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار است. در این تحقیق از روش‌های گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی استفاده‌شده است. جهت تجزیه‌وتحلیل از روش تحلیل آمیخته (کمی و کیفی) استفاده‌شده است. پرسش‌نامه ۲۱ سؤالی (۱۴ سؤال اقتصادی و ۷ پرسش فرهنگی– اجتماعی) با استفاده از تکنیک‌های آماری توصیفی و استنباطی و آلفای کرونباخ ۸. مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته و روایی و پایایی آن تأییدشده است. با استفاده از روش‌های کمی آماری توصیفی و استنباطی نظیر جداول و نمودارهای توزیع فراوانی تحلیل صورت گرفته است.

۵. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۵-۱. عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

اقتصاد عراق پس از رکود شدید و ناشی از بیماری همه‌گیر در سال ۱۳۹۸ به بهبود خود ادامه داد، اما محدودیت‌های رشد در بخش نفت دوباره ظاهر شد. پس از تعدیل در سال ۱۴۰۱، تورم قیمت مصرف‌کننده در اوایل سال ۱۴۰۲ افزایش یافت که ناشی از کاهش ارزش دینار عراق در بازار موازی بود. ترازهای مالی و حساب‌های خارجی از سود بادآورده نفت در سال ۱۴۰۱ منتفع شد، اما این روند در اوایل سال ۱۴۰۲ به‌طور قابل‌توجهی تعدیل شد. بودجه جدید به‌شدت انبساطی است و فاقد اصلاحات ساختاری است که عراق برای توسعهٔ اقتصادی پویا و پایدار به آن نیاز دارد. اقتصاد عراق به‌شدت به درآمد نفتی وابسته است. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۴ درآمد ناشی از صادرات نفت ۹۳ درصد از کل درآمد دولت عراق را شامل می‌شد. عربستان سعودی به دنبال آن است تا با افزایش روابط اقتصادی و تجاری خود با عراق بتوانند نفوذ بیشتری در بین رهبران سیاسی و مردم این کشور داشته باشند. همچنین این کشور معتقد است با سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش صنایع مختلف در عراق، بتواند وابستگی‌هایی را برای این کشور ایجاد کند.

جدول ۱: عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

ردیف	عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی مؤثر بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی	میزان تأثیر عامل	وزن تأثیر عامل	درصد تأثیر عامل
۱	نیاز عراق به سرمایه‌گذاری و بازسازی	۱۶/۲	۰/۰۲۴	۲/۳۷
۲	اتخاذ سیاست مشترک نفتی در زمینه قیمت‌گذاری و مدیریت صادرات نفت (دیپلماسی انرژی)	۱۲/۴	۰/۰۱۸	۱/۸۲
۳	سرمایه‌گذاری و مشارکت در زمینه پالایش فراورده‌های نفتی و انتقال دانش فنی آن	۷	۰/۰۱	۱/۰۳
۴	تدوین راهبرد جامع همکاری اقتصادی-تجاری	۹/۷	۰/۰۱۴	۱/۴۲

ردیف	عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی مؤثر بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی	میزان تأثیر عامل	وزن تأثیر عامل	درصد تأثیر عامل
۵	کاهش وابستگی اقتصادی عراق به ایران	۱۵/۸	۰/۰۲۳	۲/۳۲
۶	هم‌افزایی در معادلات اقتصادی (بازار نفت اوپک)	۱۲/۷	۰/۰۱۹	۱/۸۶
۷	حذف موانع گمرکی جهت انتقال کالا و گسترش بازارچه‌ها و پایانه‌های مرزی	۸/۹	۰/۰۱۳	۱/۳
۸	گسترش و تقویت شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی و پیوند دادن آن جهت انتقال کالا و مسافر	۱۵/۷	۰/۰۲۳	۲/۳
۹	سهم عربستان در سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با عراق	۱۹/۱	۰/۰۲۲	۲/۲
۱۰	توسعه تجارت مرزی با گشایش گذرگاه مرزی و جلوگیری از انسداد مرزی	۱۵/۳	۰/۰۲۲	۲/۲۴
۱۱	هم‌سویی با آمریکا جهت مهار اقتصادی ایران با افزایش فشار اقتصادی-پولی و کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی	۱۸/۵	۰/۰۲۷	۲/۷۱
۱۲	فضاسازی مناسب به‌منظور جلب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی	۸/۵	۰/۰۱۲	۱/۲۵
۱۳	ایجاد بازار مشترکی برای کار و سرمایه‌گذاری	۱۶/۵	۰/۰۲۴	۲/۴۲
۱۴	اتخاذ چهارچوب حقوقی مشترک برای تجارت و سرمایه‌گذاری به علت وابستگی‌های متقابل اقتصادی	۶/۷	۰/۰۱	۰/۹۸



نمودار ۱: نمودار میله‌ای اهمیت عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

تفسیر

جدول و نمودار بالا بیانگر این مطلب هستند که صاحب‌نظران اعتقاد داشتند، ترتیب اولویت میزان تأثیر عوامل کلیدی و پیشران‌های اقتصادی بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی از مؤثرترین عامل تا کم تأثیرگذارترین عامل به شرح ذیل است:

- سهم عربستان در سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با عراق؛
- هم‌سویی با آمریکا جهت مهار اقتصادی ایران با افزایش فشار اقتصادی-پولی و کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی؛
- ایجاد بازار مشترکی برای کار و سرمایه‌گذاری؛
- نیاز عراق به سرمایه‌گذاری و بازسازی؛
- کاهش وابستگی اقتصادی عراق به ایران؛
- گسترش و تقویت شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی و پیوند دادن آن جهت انتقال کالا و مسافر؛
- توسعه تجارت مرزی با گشایش گذرگاه مرزی و جلوگیری از انسداد مرزی؛
- هم‌افزایی در معادلات اقتصادی (بازار نفت اوپک)؛
- اتخاذ سیاست مشترک نفتی در زمینه قیمت‌گذاری و مدیریت صادرات نفت (دیپلماسی انرژی)؛
- تدوین راهبرد جامع همکاری اقتصادی-تجاری؛
- حذف موانع گمرکی جهت انتقال کالا و گسترش بازارچه‌ها و پایانه‌های مرزی؛
- فضاسازی مناسب به‌منظور جلب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛
- سرمایه‌گذاری و مشارکت در زمینه پالایش فراورده‌های نفتی و انتقال دانش فنی؛
- اتخاذ چهارچوب حقوقی مشترک برای تجارت و سرمایه‌گذاری به علت وابستگی‌های متقابل اقتصادی.

«سهم عربستان در سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با عراق»، مهم‌ترین عامل کلیدی و پیشران اقتصادی مؤثر بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی مطرح‌شده است.

۵-۲. عوامل کلیدی و پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

روندها نشان می‌دهد که عراق و عربستان روی بخش گردشگری حساب بازکرده‌اند تا این بخش در تولید ناخالص ملی این کشورها سهم بیشتری داشته باشد.

پس از رکودی که در دوره شیوع کرونا در بخش گردشگری به وجود آمد، به‌تدریج اوضاع بخش گردشگری بهبودیافته و آمارهای مثبتی در این بخش به ثبت رسیده است. پیش‌بینی می‌شود درآمد بخش گردشگری عراق و عربستان در سال‌های آتی افزایش مناسبی داشته باشد

جدول ۲: عوامل کلیدی و پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

ردیف	عوامل کلیدی و پیشران‌های فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی	میزان تأثیر عامل	وزن تأثیر عامل	درصد تأثیر عامل
۱	ناسیونالیسم عربی (آداب و سنن و تعلقات خونی-نژادی)	۱۷/۱	۰/۰۲۵	۲/۵۱
۲	القای شیعه‌هراسی و ترویج تفکر وهابیت در خلیج‌فارس	۸/۴	۰/۰۱۲	۱/۲۳
۳	تقابل ایدئولوژیکی با جمهوری اسلامی ایران (عرب- عجم و شیعه-سنی)	۱۷	۰/۰۲۵	۲/۴۹
۴	بازگشایی اماکن مذهبی شیعیان در عربستان برای جلب نظر شیعیان عراق و ایران	۱۶/۵	۰/۰۲۴	۲/۴۲
۵	مقابله با جریان اعتقادی شیعی (مرجعیت یا زعامت شیعه)	۹	۰/۰۱۳	۱/۳۲
۶	افزایش تبادلات دانشجو، هنرمند و روشنفکر برای کاهش دشمنی تاریخی	۱۵/۳	۰/۰۲۲	۲/۲۴
۷	توسعه گردشگری و تورهای زیارتی- سیاحتی در دو کشور	۱۵/۵	۰/۰۲۳	۲/۲۷



نمودار ۲: عوامل کلیدی و پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی و تأثیر آن بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی

تفسیر

جدول و نمودار بالا بیانگر این مطلب هستند که خبرگان اعتقاد داشتند، ترتیب اولویت میزان تأثیر عوامل کلیدی و پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی از مؤثرترین عامل تا کم تأثیرگذارترین عامل به شرح ذیل است:

- ناسیونالیسم عربی (آداب و سنن و تعلقات خونی-نژادی)؛
- توسعه گردشگری و تورهای زیارتی-سیاحتی در دو کشور؛
- افزایش تبادلات دانشجو، هنرمند و روشنفکر برای کاهش دشمنی تاریخی؛
- بازگشایی اماکن مذهبی شیعیان در عربستان برای جلب نظر شیعیان عراق و ایران؛
- تقابل ایدئولوژیکی با جمهوری اسلامی ایران (عرب- عجم و شیعه-سنی)؛
- القای شیعه هراسی و ترویج تفکر وهابیت در خلیج‌فارس؛
- مقابله با جریان اعتقادی شیعی (مرجعیت یا زعامت شیعه).

ازنظر خبرگان، تأثیرگذارترین عامل کلیدی فرهنگی- اجتماعی بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی، «ناسیونالیسم عربی» مطرح‌شده است. همان‌طوری که شاهد هستیم، در سال‌های اخیر موج جدیدی از ناسیونالیسم عربی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس رواج پیداکرده که خاص، درون‌گرا، الهام‌بخش و دارای مقبولیت مردمی است. قبل از آنکه به

ویژگی‌های موج چهارم ناسیونالیسم عربی بپردازیم و فرصت‌ها و تهدیدهای آن را برای جمهوری اسلامی ایران برشماریم، ضروری است تا مروری گذرا بر سه تجربه ناسیونالیسم در جهان عرب داشته باشیم.

موج اول ناسیونالیسم در جهان عرب پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد. معاهده سور در سال ۱۹۲۰، نمود عینی موج اول ناسیونالیسم عربی-تُرکی بود که منجر به تشکیل کشورهای عربی سوریه، لبنان، عراق و اردن در منطقه شامات و بین‌النهرین شد. البته ریشه‌های نظری تضعیف خلافت در عثمانی و تقویت ایده مدرن را باید در اصلاحات سلطان عبدالحمید، پس از جنگ کریمه ۱۸۵۳-۱۸۵۶ (فرمان همایونی) جست‌وجو کرد که خواسته یا ناخواسته، بنیادهای حکمرانی براساس شریعت را تضعیف و بنیادهای حکمرانی مدرن را تقویت کرده بود. ویژگی موج اول ناسیونالیسم عربی، تشکیل یک دولت بومی با مرزهای جغرافیایی نسبتاً مشخص و خروج از امپراتوری عثمانی و یا خروج از نظارت استعمار مستقیم انگلستان و فرانسه بود؛ بنابراین این موج در سال ۱۹۳۷ به عربستان، در سال ۱۹۶۲ به یمن و پس از خروج انگلستان از خلیج‌فارس در سال ۱۹۶۹ موجب تشکیل کویت، بحرین، امارات، قطر و عمان شد.

موج دوم ناسیونالیسم عربی، دارای خصیصه سوسیالیستی، چپ‌گرا و براساس دشمنی مشترک با اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ از کشور مصر آغاز شد. پس از شکست کشورهای عربی در جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹، کودتای افسران آزاد در مصر در سال ۱۹۵۲ منجر به سقوط نظام پادشاهی و روی کار آمدن جمال عبدالناصر شد. ناصر با شعارهای سوسیالیستی و مبارزه با امپریالیسم که در آن سال‌ها به‌خصوص پس از شکست مصر از اسرائیل بسیار جذاب بود و خریدار داشت، قدرت را به دست گرفته بود و ارتش عربی برای آزادسازی فلسطین را تشکیل داد. موج دوم در سوریه، اردن و عراق نیز پس از مصر موجب روی کار آمدن نظامیان با شعار سوسیالیسم در داخل و مبارزه با امپریالیسم در خارج شد. آنچه این کشورها را در یک ائتلاف قرار می‌داد، دشمنی مشترک آن‌ها با اسرائیل بود. شکست اعراب از اسرائیل در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ و جنگ ۱۹۷۳ و فساد، دیکتاتوری و ناکارآمدی اقتصادی

در بُعد داخلی، موجب شکست موج دوم ناسیونالیسم در جهان عرب شد. هرچند زمان سقوط دولت‌های نظامی برآمده از موج دوم متفاوت بود؛ اما این موج از ناسیونالیسم به‌سرعت پویایی و فرا روندگی خود را از دست دادند. مصر و اردن دچار تغییر ماهوی شدند، حزب بعث عراق ساقط شد و سوریه هم پس از جنگ به دولتی ورشکسته تبدیل‌شده است.

موج سوم ناسیونالیسم عربی از ترکیه آتاتورک و ایران دوران پهلوی الهام گرفت. سکولاریسم، غرب‌گرایی و شبه مدرنیسم از ویژگی‌های جمهوری ترکیه و ایران دوران پهلوی بود که با قرار گرفتن در بلوک غرب به دنبال توسعه داخلی و افزایش منزلت بین‌المللی بودند. موج سوم ناسیونالیسم عربی به‌طورجدی از مصر در دوران انور سادات آغاز شد. مصر با پیمان کمپ دیوید وارد فرایند سازش با اسرائیل و غرب شد؛ سر نخ امنیتی خود را به آمریکا داد و رسماً مهم‌ترین کشور خط مقدم در جنگ با اسرائیل را در ائتلاف آمریکا و اسرائیل قرارداد. موج سوم که هم‌زمان با انقلاب اسلامی در ایران در دیگر کشورهای عربی نیز طرفدار پیداکرده بود، به‌جای دشمنی با اسرائیل، دشمنی با ایران انقلابی را ترویج می‌کرد. کشورهای عربی نیز به‌تدریج این چهره از ناسیونالیسم را ترویج دادند. ویژگی این چهره از ناسیونالیسم؛ سکولاریسم، وابستگی به غرب مشخصاً آمریکا و دشمنی با ایران بود. موج سوم ناسیونالیسم عربی هنوز حیات خود را حفظ کرده است؛ اما در موارد زیادی دچار ناکارآمدی شده است.

نگاهی به روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای عربی در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که‌موج چهارم ناسیونالیسم عربی در راه است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از هم‌پوشانی ادبیات تحقیق و همچنین مصاحبه‌های انجام‌شده، کنشگران مؤثر بر همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی، از دید خبرگان این تحقیق عبارت‌اند از:

پاسخ سؤال فرعی اول: مهم‌ترین پیشران‌های اقتصادی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی در افق ۱۴۱۴

- ❖ سهم عربستان در سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با عراق؛

- ❖ هم‌سویی با آمریکا جهت مهار اقتصادی ایران با افزایش فشار اقتصادی-پولی و کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی؛
- ❖ ایجاد بازار مشترکی برای کار و سرمایه‌گذاری؛
- ❖ نیاز عراق به سرمایه‌گذاری و بازسازی؛
- ❖ کاهش وابستگی اقتصادی عراق به ایران؛
- ❖ گسترش و تقویت شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی و پیوند دادن آن جهت انتقال کالا و مسافر؛
- ❖ توسعه تجارت مرزی با گشایش گذرگاه مرزی و جلوگیری از انسداد مرزی؛
- ❖ هم‌افزایی در معادلات اقتصادی (بازار نفت اوپک)؛
- ❖ اتخاذ سیاست مشترک نفتی در زمینه قیمت‌گذاری و مدیریت صادرات نفت (دیپلماسی انرژی)؛
- ❖ تدوین راهبرد جامع همکاری اقتصادی – تجاری.

پاسخ سؤال فرعی دوم: مهم‌ترین پیشران‌های فرهنگی-اجتماعی همکاری دفاعی عراق و عربستان سعودی در افق ۱۴۱۴

- ❖ ناسیونالیسم عربی (آداب و سنن و تعلقات خونی-نژادی)؛
- ❖ توسعه گردشگری و تورهای زیارتی-سیاحتی در دو کشور؛
- ❖ افزایش تبادلات دانشجو، هنرمند و روشنفکر برای کاهش دشمنی تاریخی؛
- ❖ بازگشایی اماکن مذهبی شیعیان در عربستان برای جلب نظر شیعیان عراق و ایران
- ❖ تقابل ایدئولوژیکی با جمهوری اسلامی ایران (عرب- عجم و شیعه-سنی)؛
- ❖ القای شیعه هراسی و ترویج تفکر وهابیت در خلیج‌فارس؛
- ❖ مقابله با جریان اعتقادی شیعی (مرجعیت یا زعامت شیعه).

اقتصاد عراق پس از رکود شدید و ناشی از بیماری همه‌گیر در سال ۱۳۹۸ به بهبود خود ادامه داد، اما محدودیت‌های رشد در بخش نفت دوباره ظاهر شد. پس از تعدیل در سال ۱۴۰۱، تورم قیمت مصرف‌کننده در اوایل سال ۱۴۰۲ افزایش یافت که ناشی از کاهش ارزش

دینار عراق در بازار موازی بود.

ترازهای مالی و حساب‌های خارجی از سود بادآورده نفت در سال ۱۴۰۱ منتفع شد، اما این روند در اوایل سال ۱۴۰۲ به‌طور قابل‌توجهی تعدیل شد. بودجه جدید به‌شدت انبساطی است و فاقد اصلاحات ساختاری است که عراق برای توسعهٔ اقتصادی پویا و پایدار به آن نیاز دارد.

اقتصاد عراق به‌شدت به درآمد نفتی وابسته است. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۴ درآمد ناشی از صادرات نفت ۹۳ درصد از کل درآمد دولت عراق را شامل می‌شد.

عربستان سعودی به دنبال آن است تا با افزایش روابط اقتصادی و تجاری خود با عراق بتوانند نفوذ بیشتری در بین رهبران سیاسی و مردم این کشور داشته باشند. همچنین این کشور معتقد است با سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش صنایع مختلف در عراق، بتواند وابستگی‌هایی را برای این کشور ایجاد کند.

در سال‌های اخیر موج جدیدی از ناسیونالیسم عربی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس رواج پیداکرده که خاص، درون‌گرا، الهام‌بخش و دارای مقبولیت مردمی است.

موج اول ناسیونالیسم در جهان عرب پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد. معاهده سور در سال ۱۹۲۰، نمود عینی موج اول ناسیونالیسم عربی-تُرکی بود که منجر به تشکیل کشورهای عربی سوریه، لبنان، عراق و اردن در منطقه شامات و بین‌النهرین شد.

موج دوم ناسیونالیسم عربی، دارای خصیصه سوسیالیستی، چپ‌گرا و براساس دشمنی مشترک با اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ از کشور مصر آغاز شد. پس از شکست کشورهای عربی در جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹، کودتای افسران آزاد در مصر در سال ۱۹۵۲ منجر به سقوط نظام پادشاهی و روی کار آمدن جمال عبدالناصر شد. ناصر با شعارهای سوسیالیستی و مبارزه با امپریالیسم که در آن سال‌ها به‌خصوص پس از شکست مصر از اسرائیل بسیار جذاب بود و خریدار داشت، قدرت را به دست گرفته بود و ارتش عربی برای آزادسازی فلسطین را تشکیل داد. موج دوم در سوریه، اردن و عراق نیز پس از مصر موجب روی کار

آمدن نظامیان با شعار سوسیالیسم در داخل و مبارزه با امپریالیسم در خارج شد.

موج سوم ناسیونالیسم عربی از ترکیه آتاتورک و ایران دوران پهلوی الهام گرفت. سکولاریسم، غرب‌گرایی و شبه مدرنیسم از ویژگی‌های جمهوری ترکیه و ایران دوران پهلوی بود که با قرار گرفتن در بلوک غرب به دنبال توسعه داخلی و افزایش منزلت بین‌المللی بودند. موج سوم ناسیونالیسم عربی به‌طورجدی از مصر در دوران انور سادات آغاز شد. موج سوم که هم‌زمان با انقلاب اسلامی در ایران در دیگر کشورهای عربی نیز طرفدار پیداکرده بود، به‌جای دشمنی با اسرائیل، دشمنی با ایران انقلابی را ترویج می‌کرد. کشورهای عربی نیز به‌تدریج این چهره از ناسیونالیسم را ترویج دادند. ویژگی این چهره از ناسیونالیسم؛ سکولاریسم، وابستگی به غرب مشخصاً آمریکا و دشمنی با ایران بود. موج سوم ناسیونالیسم عربی هنوز حیات خود را حفظ کرده است؛ اما در موارد زیادی دچار ناکارآمدی شده است.

۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

۱. تقویت روابط اقتصادی-امنیتی با عراق از طریق حفظ و گسترش قراردادهای انرژی (گاز و برق) به‌عنوان اهرم نفوذ و توسعه پروژه‌های مشترک زیرساختی و تجاری؛
۲. استفاده از اهرم اقتصادی از طریق تأکید بر وابستگی عراق به واردات انرژی از ایران در مذاکرات و ارائه تسهیلات تجاری برای تقویت پیوندهای اقتصادی؛
۳. ارائه طرح‌های همکاری سه‌جانبه اقتصادی از طریق پیشنهاد پروژه‌های مشترک انرژی، ترانزیت و تجاری بین ایران، عراق و عربستان.

فهرست منابع

ایکنبری (۱۳۸۳). ***تنها ابرقدرت***. تهران: انتشارات مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر

سیف‌زاده (۱۳۸۵). ***اصول روابط بین‌الملل*** الف و ب. تهران: انتشارات قومس

لیتل (۱۳۸۹). ***تحول در نظریه‌های موازنه قوا***. تهران: نشر ابرار معاصر.

نجفی‌سیار (۱۳۹۹). ***روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از ابتدای هزاره سوم***. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

والت (۱۹۸۷). ***ریشه‌های اتحاد***. Cornell University Press.